



# اصول فقہ ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۲۰

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای یاسر سعادت

بحث ما درباره بیان چند قاعده عمومی درباره ادله محرز، می باشد. دو قاعده عامه را در درس های قبل بیان کردیم. یکی تأسیس اصل در مسأله بود. که اصل اولی را در بحث ادله محرز غیر قطعی (امارات)، عدم حجیت دانستیم و اصل دیگر «مقدار ما یثبت بالادلة المحرز» بود. در این قاعده دوم ثابت کردیم که مدالیل التزامی امارات حجت است، به خلاف مدالیل التزامی اصل عملی. در این بحث نیز می خواهیم قاعده کلی دیگری را در مورد ادله محرز بیان نماییم. این قاعده کلی و عام عبارت است از: «تبعیت مدلول التزامی در حجیت، از مدلول مطابقی»؛ به این معنا که آیا با ساقط شدن حجیت مدلول مطابقی، مدلول التزامی حجت است یا نه؟ این بحث همان طور که واضح است، متفرع بر ثبوت حجیت مدالیل التزامی می باشد و در فرض عدم حجیت، دیگر این بحث، جایگاهی ندارد.

در این درس، خواهیم دید که در تبعیت مدلول التزامی مساوی از مدلول مطابقی، نزاع و اختلاف وجود ندارد و در مورد مدلول التزامی اعم از مدلول مطابقی، نزاع و بحث وجود دارد.

ثمره این بحث، این است که اگر مدلول التزامی را تابع مدلول مطابقی ندانیم، در فرض تعارض خبرین، و موارد دیگری که مدلول مطابقی فاقد حجیت است، مدلول التزامی اماره، بر حجیت خود باقی می ماند و می توان به آن تمسک جست.

## تبعية الدلالة الالتزامية للمطابقة

عرفنا أنَّ الأُمَاراتِ حِجَّةٌ في المدلولِ المطابقيِّ والمدلولِ الالتزاميِّ معاً، و المدلولُ الالتزاميُّ تارةً يكون مساوياً للمدلولِ المطابقيِّ، و أخرى يكونُ أعمَّ منه. ففي حالة المساواة إذا عُلِمَ بأنَّ المدلولَ المطابقيَّ باطلٌ فقد عُلِمَ ببطْلانِ المدلولِ الالتزاميِّ أيضاً، و بذلك تسقطُ الأُمارةُ بكلا مدلوليها عن الحجِّية. و أمّا إذا كان اللازمُ أعمَّ و بطلَ المدلولُ المطابقيُّ، فالمدلولُ الالتزاميُّ يظلُّ محتملاً.

و من هنا يأتي البحثُ التالي و هو: إنَّ حِجَّةَ الأُمارةِ في إثباتِ المدلولِ الالتزاميِّ هل ترتبطُ بحجِّيتها في إثباتِ المدلولِ المطابقيِّ أو لا؟

فالارتباطُ يعني أنَّها إذا سقطتْ عن الحجِّيةِ في المدلولِ المطابقيِّ للعلمِ ببطْلانه مثلاً، سقطتْ أيضاً عن الحجِّيةِ في المدلولِ الالتزاميِّ و هو معنى التبعية، و عدمُ الارتباطِ يعني أنَّ كلاً من الدلالةِ المطابقيةِ و الدلالةِ الالتزاميةِ حِجَّةٌ ما لم يُعْلَمَ ببطْلانِ مفادها بالخصوص، و مجردُ العلمِ ببطْلانِ المدلولِ المطابقيِّ لا يوجدُ خللاً في حجِّيةِ الدلالةِ الالتزاميةِ ما دامَ المدلولُ الالتزاميُّ محتملاً و لم يتَّضح بطلانُه بعدُ.

## تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی

بعد از این که در مباحث گذشته معلوم شد که مدالیل التزامی امارات، حجت است، حال این بحث واقع می شود که آیا دلالت التزامی، تابع دلالت مطابقی است یا نه؟ به این معنا که اگر دلالت مطابقی از حجت ساقط شد، دلالت التزامی نیز از حجت ساقط می شود یا نه؟

در ابتدای این بحث لازم است به چند نکته توجه نماییم:

### نکته اول: فرق این مبحث با بحث پیشین

در درس قبل، بحث ما در مورد حجت دلالت التزامی بود؛ به این معنا که آیا اماره‌ای که دلالت بر حجت مدلول مطابقی دارد، مدلول التزامی را نیز حجت می کند یا نه؟ اما در این جا بحث ما در مورد عدم حجت دلالت التزامی در صورت عدم حجت دلالت مطابقی می باشد؛ پس در مبحث پیشین، بحث از ثبوت حجت دلالت التزامی به صرف قیام دلیل بر حجت دلالت مطابقی بود. اما در این بحث، از عدم حجت مدلول التزامی در صورت عدم حجت مدلول مطابقی، سخن می گوئیم.

### نکته دوم: تفرع این بحث بر بحث پیشین

تفرع این بحث بر بحث پیشین، واضح و روشن است؛ زیرا سقوط یک شیء، فرع بر ثبوت آن شیء می باشد؛ لذا باید در ابتدا ثبوت یک شیء ثابت شود تا بعد بگوئیم آن شیء ساقط شده است یا نه؟ بنابراین، ابتدا باید حجت مدلول التزامی ثابت گردد تا بعد در مورد سقوط آن به واسطه سقوط دلالت مطابقی از حجت، سخن بگوئیم.

### نکته سوم: عدم بحث از تبعیت مدلول التزامی اصول عملیه از مدلول مطابقی آنها

همان طور که در نکته قبلی متذکر شدیم، بحث از سقوط یک شیء متفرع بر ثبوت آن شیء می باشد؛ لذا در اصول عملیه که ما قائل به عدم حجت مدالیل التزامی شدیم، دیگر مدلول التزامی حجتی ندارد که ما بحث کنیم که آیا با سقوط حجت مدلول مطابقی اصل عملی، مدلول التزامی آن، از حجت ساقط می گردد یا نه؟

### کیفیت سقوط مدلول التزامی از حجت

بحث در مورد جایی است که مدلول مطابقی از حجت ساقط شده، حال بحث می نماییم که با صرف عدم حجت مدلول مطابقی، مدلول التزامی نیز فاقد حجت می شود یا نه؟ برای تنقیح این بحث لازم است که ابتدا کیفیت و چگونگی سقوط حجت مدلول التزامی را بیان نماییم؛ حال می گوئیم که سقوط مدلول مطابقی از حجت به دو وجه متصور است:

### وجه اول: عدم تمامیت مقتضی در امارات

گفتیم که ملاک حجت در امارات، کاشفیت آنها از واقع است؛ حال اگر علم به خطا بودن اماره‌ای داشته باشیم، دیگر این اماره در سطح احتمال (که نازل ترین مرحله کاشفیت است) هم دارای کاشفیت نخواهد بود؛ لذا این اماره، دیگر مقتضی جعل حجت را دارا نیست.

### وجه دوم: وجود مانعی که به سبب تعارض حاصل می شود

مثلاً اگر ثقه‌ای از وجوب نماز جمعه و ثقه‌ای دیگر از عدم عقاب بر ترک نماز جمعه خبر دهد، این دو خبر هر کدام به دلالت التزامی خود، دیگری را تکذیب می نماید؛ زیرا خبر وجوب نماز جمعه بالاتزام، دلالت بر معاقبه بر ترک نماز

جمعه دارد و خبر عدم معاقبه بر ترک نماز جمعه، بالالتزام بر عدم وجوب نماز جمعه دلالت می‌کند. حال اگر مرجعی بین این دو خبر پیدا نکنیم و در باب تعارض قائل شویم که در صورت عدم احراز ترجیح یکی بر دیگری، هر دو خبر از حجیت ساقط می‌شود، در این صورت این دو اماره فاقد حجیت خواهند بود.

## تحریر محل نزاع

همان‌طور که بیان شد بحث ما در مورد مدالیل التزامی امارات است که آیا به صرف عدم حجیت مدلول مطابقی، مدلول التزامی نیز فاقد حجیت می‌باشد یا نه؟ برای مشخص شدن محل نزاع، لازم است در ابتدا اقسام مدلول التزامی بیان گردد:

## اقسام مدلول التزامی

### الف) تساوی مدلول التزامی با مدلول مطابقی

گاهی نسبت بین مدلول مطابقی و مدلول التزامی تساوی می‌باشد؛ به این معنا که یکی از این دو بدون دیگری در خارج قابل صدق نیست و اگر در خارج، یکی از آن دو حاصل شود، دیگری هم حتماً حاصل است و اگر یکی از آن دو در عالم خارج از بین برود، دیگری نیز وجود نخواهد داشت. مثل تابش خورشید در آسمان و روز بودن که اگر روز باشد، خورشید هم در آسمان می‌تابد و اگر خورشید نباشد، روز هم نیست.

در این حالت، شکی در تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی وجود ندارد؛ به این معنا که اگر مدلول مطابقی به هر علتی، از حجیت ساقط گردد، مدلول التزامی نیز حجت نخواهد بود. چون علم به کذب مدلول مطابقی مساوی با علم به کذب مدلول التزامی می‌باشد؛ زیرا مدلول التزامی مساوی و مدلول مطابقی‌اش در خارج، قابل انفکاک از یکدیگر نیستند و اگر یکی از آن دو کاذب باشد، دیگری نیز حتماً کاذب خواهد بود.

### تطبیق

#### تبعية الدلالة الالتزامية للمطابقة

#### تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی

عرفنا أنَّ الأماراتِ حجةً في المدلولِ المطابقيِّ و المدلولِ الالتزاميِّ معاً، و المدلولُ الالتزاميُّ تارةً يكون مساوياً للمدلول المطابقيِّ، و أخرى يكون أعمَّ منه<sup>۱</sup>.

شناختیم که امارات هم در مدلول مطابقی حجت هستند و هم در مدلول التزامی؛ و مدلول التزامی گاهی مساوی با مدلول مطابقی است و گاهی اعم از مدلول مطابقی می‌باشد.

ففي حالة المساواة إذا عُلِمَ بأنَّ المدلولَ المطابقيَّ باطلٌ فقد عُلِمَ بطلانُ المدلولِ الالتزاميِّ أيضاً، و بذلك تسقطُ الأمانةُ بكلا مدلوليها عن الحجية. و أمّا إذا كان اللازمُ أعمَّ و بطلَ المدلولُ المطابقيُّ، فالمدلولُ الالتزاميُّ يظلُّ محتملاً.

پس در حالت مساوات بین مدلول مطابقی و مدلول التزامی، زمانی که علم به بطلان مدلول مطابقی پیدا شود، علم به بطلان مدلول التزامی نیز پیدا می‌شود. و به سبب این علم، اماره نسبت به هر دو مدلولش (التزامی و مطابقی) از حجیت ساقط می‌گردد.

Sc01:10:51

<sup>۱</sup> مرجع ضمیر: مدلول مطابقی.

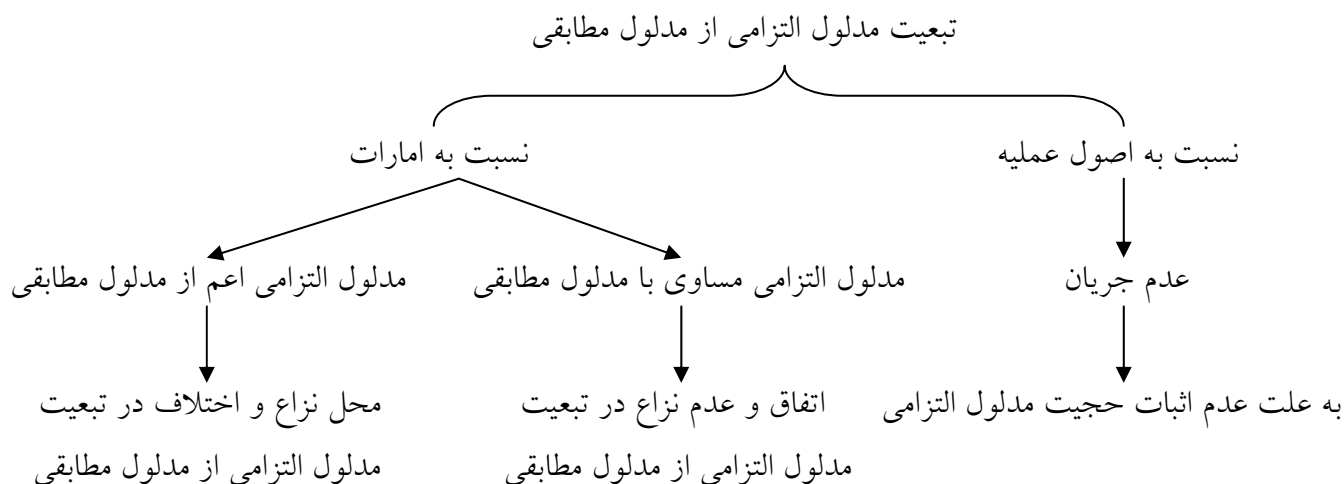
## ب) اعمیت مدلول التزامی از مدلول مطابقی

بحث ما در تبعیت مدلول التزامی می‌باشد که گفتیم برای بررسی تبعیت مدلول التزامی دلیل ظنی از مدلول مطابقی آن لازم است که ابتدا نسبت مدلول التزامی را با مدلول مطابقی بسنجیم و در این نسبت سنجی بیان شد که گاهی مدلول التزامی مساوی با مدلول مطابقی می‌باشد و گفتیم که در این صورت نزاعی در تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی وجود ندارد؛ اما گاهی مدلول التزامی اعم از مدلول مطابقی است؛ به این معنا که هر زمان مدلول مطابقی باشد، مدلول التزامی نیز ثابت خواهد بود؛ ولی این‌گونه نیست که هر زمان مدلول التزامی ثابت بود، مدلول مطابقی نیز ثابت باشد و ممکن است که مدلول التزامی علت دیگری غیر از مدلول مطابقی داشته باشد. به تعبیر اصطلاحی مدلول التزامی به گونه‌ای باشد که اگر ملزوم (مدلول مطابقی) حاصل شد، لازم (مدلول التزامی) نیز ثابت باشد؛ اما زمانی که ملزوم (مدلول مطابقی) از بین برود، از بین رفتن لازم (مدلول التزامی) ضروری نباشد؛ مثلاً اگر کسی خبر از وقوع زید در کوره آتش بدهد، لازمه آن مرگ زید می‌باشد؛ اما این‌گونه نیست که علت مرگ زید منحصر در سوختن در آتش باشد، بلکه ممکن است مرگ او بر اثر خوردن سم و یا هر علت دیگری باشد، و این‌گونه نیست که اگر علم به نیفتادن زید در آتش پیدا کنیم، علم به عدم موت او نیز پیدا نماییم؛ در این حالت نزاع صورت گرفته است که آیا با از بین رفتن حجیت مدلول مطابقی حجیت مدلول التزامی نیز از بین می‌رود یا نه؟

### ارتباط حجیت مدلول التزامی به حجیت مدلول مطابقی

اهمیت بحث از ارتباط حجیت مدلول التزامی به حجیت مدلول مطابقی، در بحث مدلول التزامی اعم، در صورت بطلان حجیت مدلول مطابقی، واضح و روشن می‌شود. اما مراد از ارتباط این است که هر وقت مدلول مطابقی اماره، فاقد حجیت شد، مدلول التزامی آن نیز حجیتی نخواهد داشت. در مقابل آن اصطلاح «عدم ارتباط» است که مراد از آن این است که هر یک از مدالیل اماره حجت است؛ خواه دلیلی بر عدم حجیت مدلول دیگر وجود داشته باشد یا نه؛ و بطلان حجیت مدلول مطابقی دلالت بر بطلان حجیت مدلول التزامی ندارد؛ مثلاً اگر ثقه‌ای خبر از افتادن زید در کوره آتش بدهد و ثقه‌ای دیگر این خبر را تکذیب کند، مدلول مطابقی این خبر (افتادن زید در کوره آتش) از حجیت ساقط می‌گردد ولیکن مدلول التزامی آن، که مرگ زید است، بر حجیت خود باقی می‌ماند، زیرا دلیلی بر بطلان مدلول التزامی (مرگ زید) اقامه نشده است.

FG



و أما إذا كان اللازمُ أعمَّ و بطلَ المدلولُ المطابقيُّ، فالمدلولُ الالتزاميُّ يظلُّ محتملاً.

و اما زمانی که مدلول التزامی اعم از مدلول مطابقی باشد و حجیت مدلول مطابقی باطل شود، پس در این صورت مدلول التزامی به صورت محتمل خود باقی می ماند.

و من هنا يأتي البحثُ التالي و هو: إنَّ حَجِيَّةَ الأَمَارَةِ فِي إثْبَاتِ المدلولِ الالتزاميِّ هل ترتبطُ بحجَّتِها فِي إثْبَاتِ المدلولِ المطابقيِّ أو لا؟

و از همین جا که احتمال صحت مدلول التزامی در موارد اعم وجود دارد، بحث مطرح می شود، و این بحث عبارت است از این که: آیا حجیت اماره در اثبات مدلول التزامی مرتبط به حجیت اماره در اثبات مدلول مطابقی می باشد یا خیر؟ فالارتباطُ یعنی أنَّها إذا سقطتْ عن الحجِّيَّةِ فِي المدلولِ المطابقيِّ للعلمِ ببطْلانه مثلاً، سقطتْ أيضاً عن الحجِّيَّةِ فِي المدلولِ الالتزاميِّ و هو معنى التبعية،

پس ارتباط یعنی: وقتی که اماره از حجیت در مدلول مطابقی ساقط گردید، مثلاً به خاطر علم به بطلان مفاد اماره در خصوص مدلول مطابقی، آیا این اماره نسبت به مدلول التزامی نیز از حجیت ساقط می گردد یا نه؟ این همان معنای تبعیت دلالت التزامی از دلالت مطابقی می باشد.

و عدمُ الارتباطِ یعنی أنَّ كلاً من الدلالةِ المطابقيَّةِ و الدلالةِ الالتزاميةِ حَجَّةٌ ما لم يُعلمْ ببطْلانِ مفادِها بالخصوصِ، و مجردُ العلمِ ببطْلانِ المدلولِ المطابقيِّ لا يوجدُ خلاً<sup>۱</sup> في حَجِّيَّةِ الدلالةِ الالتزاميةِ ما دامَ المدلولُ الالتزاميُّ محتملاً و لم يتضحْ بطلانُه بعدُ<sup>۲</sup>. و عدم ارتباط یعنی: هر یک از دلالت مطابقی و دلالت التزامی حجت است، تا زمانی که علم به بطلان همان مدلول پیدا شود و مجرد علم به بطلان مدلول مطابقی، خللی در حجیت دلالت التزامی، تا زمانی که محتمل باشد و بطلانش واضح نگردیده وارد نمی کند.

Sco۲:۱۹:۵۸

<sup>۱</sup> زیرا در دلالت التزامی اعم اگر هم در حصه مساوی با مدلول مطابقی، مدلول التزامی از حجیت سلقط گردد باز هم احتمال حجیت آن در حصه دیگر باقی می ماند.

<sup>۲</sup> یعنی بعد از بطلان دلالت مطابقی دلیلی بر بطلان دلالت التزامی نیامده باشد.

۱. در مدلول التزامی مساوی با مدلول مطابقی، نزاع و اختلافی در تبعیت مدلول التزامی از مدلول مطابقی وجود ندارد.
۲. در اصول عملیه، بحث از تبعیت مدلول التزامی از مدلول مطابقی جاری نیست؛ زیرا مدلول التزامی برای اصول عملیه ثابت نیست که با اسقاط حجیت از مدلول مطابقی، بحث از اسقاط یا عدم اسقاط مدلول التزامی آنها شود.
۳. در مدلول التزامی اعم از مدلول مطابقی، چون که با سقوط مدلول مطابقی، مدلول التزامی باز محتمل است، در تبعیت مدلول التزامی از مدلول مطابقی نزاع و اختلاف وجود دارد.
۴. سقوط مدلول مطابقی از حجیت یا به خاطر عدم مقتضی است، مثل علم به کذب بودن خبری و یا به خاطر وجود مانع است، مانند: تعارض دو خبر و عدم وجود مرجع.